

# بنیاد مستضعفان:

نوشته دکتر انور خامه‌ای

## از فرمان امام (ره) تا شرایط حاضر

چندی پیش در روزنامه کیهان، به تاریخ اول آبان ۷۶، چشمم به آگهی رنگی جالبی افتاد که پنج صفحه تمام روزنامه را فرا گرفته بود. زیبایی و نقش و نگار آگهی از یکسو، و عظمت و وسعت آن از سوی دیگر حس کنجکاوی حقیر را برانگیخت تا نگاهی به آن بیافکنم و ببینم از آن کدام مؤسسه‌ای است که پول چاپ تنها یک آگهی آن از بودجه یک ماهه اداره‌ای که من حقوقم را از آن می‌گیرم بیشتر است؟!

یک نگاه کافی بود دریابم که مزایده «فروش فوق العاده املاک و مستغلات بنیاد مستضعفان و جانبازان» است. گرچه بنده در تمام عمرم هم از لحاظ مالی در موقعیتی نبوده‌ام که به فکر شرکت در یک مزایده یا مناقصه بیفتم و حالا بیش از هر وقت از شنیدن نام آنها هم روگردانم، اما چه کنم که همان کنجکاوی بی‌پیر نگذاشت بی‌تفاوت از کنار این آگهی بگذرم و کاری دست من داد که منجر به نوشتن این مقاله شد.

یک مطالعه سطحی و حساب ساده به بنده نشان داد که در این آگهی «بنیاد مستضعفان و جانبازان» جمعاً ۴۹۹ فقره املاک و مستغلات را در ده استان کشور به مزایده گذاشته است که جمع بهای پایه آنها ۸۵ میلیارد و ۹۴۴ میلیون و کسری ریال یعنی نزدیک به ۹ میلیارد تومان است. خوانندگان ما می‌دانند که بهای پایه برای مزایده‌ها معمولاً حداقل بهای کارشناسی است تا امکان رقابت میان خریداران و افزایش بهای فروش وجود داشته باشد. بنابراین مبلغی که پیش‌بینی می‌شود که «بنیاد مستضعفان و جانبازان» از فروش این املاک و مستغلات به دست آمد مسلماً خیلی بیش از مبلغ مزبور خواهد بود. ضمناً چون این آگهی «مزایده سوم» بنیاد مزبور در سال جاری است و در سالهای گذشته نیز مزایده‌های نظیر آن بارها در مطبوعات مشاهده شده است، می‌توان فهمید مبلغی که از فروش املاک و مستغلات عاید بنیاد فوق شده است حجم نقدینگی عظیمی بالغ

نظر انتقاد بلکه به امید گرفتن پاسخ و روشن شدن ابهاماتی که برای من و شاید بسیاری کسان دیگر پدید آمده است، طرح می‌کنم:

۱- «بنیاد مستضعفان و جانبازان» از نظر ساختار نظام جمهوری اسلامی چه صیغه‌ای است و در کجای «جامعه مدنی» قرار دارد؟ آیا جزئی از دستگاه دولت و تابع قوانین و مقررات ادارات دولتی یا مؤسسات وابسته به دولت است؟ یا اینکه مؤسسه‌ای خصوصی است که مانند بنگاه‌ها و شرکتهای خصوصی دیگر تابع قوانین مالیاتی و حقوق و تکالیف خاص این گونه مؤسسات است؟

۲- اساس وجودی این «بنیاد» بر چه پایه‌ای است و از کجا نشئت و مشروعیت گرفته است و می‌گیرد؟ یک شرکت بازرگانی از سرمایه‌ای که به ثبت رسانده و تعهداتی که برعهده گرفته است نشئت و مشروعیت می‌گیرد. یک وزارتخانه جدید یا شرکت دولتی یا قانونی که مجلس تصویب می‌کند تأسیس می‌شود و مشروعیت دارد. حتی نظام جمهوری اسلامی ما از انقلاب ۲۲ بهمن ملت ایران و مراجعه به آراء عمومی ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ نشئت گرفته و مشروعیت یافته است. پس مبنای نشئت گرفتن و مشروعیت «بنیاد مستضعفان و جانبازان» چیست و کجاست؟

۳- اموال منقول و غیر منقول این بنیاد از نظر حقوقی، قانونی و شرعی چه حکمی دارند؟ آیا در مالکیت خصوصی این بنیاد است و در این صورت منشاء این مالکیت از کجا بوده است؟ اگر در مالکیت خصوصی آن نیست، به چه استنادی به فروش و انتقال آنها می‌پردازد؟ اگر این اموال در امانت و سرپرستی بنیاد است باز فروش و انتقال آنها بر چه مبنایی استوار است؟

۴- ظاهراً از نام این بنیاد برمی‌آید که متعلق به «مستضعفان و جانبازان» باشد. آیا این استنباط درست است؟ اگر هست چرا در سالهایی که این بنیاد فعالیت داشته به گفته آقای مهندس موسوی «مستضعفان مستضعف‌تر و مستبکران مستبکرتر شده‌اند»؟!

بر ده‌ها و شاید صدها میلیارد تومان بوده است!! هنوز در اندیشه نوشتن این مقاله بودم که در شماره دوم دی ۱۳۷۶ روزنامه همشهری آگهی دیگری از جانب «بنیاد مستضعفان و جانبازان» با همان توصیفات منتشر گردید و ۱۴۴ مورد املاک و مستغلات جدیدی را به مزایده گذاشته بود. جمع کل بهای پایه این املاک و مستغلات حدود ۷۹ میلیارد ریال بود که ۶۳ میلیارد ریال آن مربوط به تهران و حدود ۱۶ میلیارد دیگر مربوط به شهرستانها بوده است. اگر این مبلغ را بر ۸۶ میلیارد ریال آگهی اول آبان بیافزاییم جمعاً ۱۶۵ میلیارد ریال یا ۱۶ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان می‌شود که فقط بهای پایه املاک و مستغلاتی است که در دو ماه اخیر به مزایده گذاشته شده است.

چون هم رهبر معظم نظام و هم ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران هر دو اخیراً بر مشارکت مردم در امور عمومی تأکید کرده و بر تضارب افکار و بیان نقایص و اظهارنظرها اصرار ورزیده‌اند، این بنده به عنوان یک ایرانی و یکی از اتباع جمهوری اسلامی به خود جرئت می‌دهم و پرسشهایی را که به ذهنم رسیده است، نه از

چرا در معاملات این بنیاد، مانند همین مزایده‌ها، برای مستضعفان یا جانبازان سهمی و سودی در نظر گرفته نشده است؟ چرا دست کم بخشی از این مستغلات را برای سکنی به جانبازان یا مستضعفان مستحق واگذار نکرده‌اند؟ باری این بنیاد چه اقدامی برای بهبود وضع مستضعفان و جانبازان انجام داده است؟

۵. آیا بنیاد موظف است مانند هر مؤسسه دولتی یا خصوصی دیگری سالانه بیان عملیات و اقدامات خود را منتشر سازد یا دست کم به مرجع صلاحیت‌داری مثلاً وزارت دارایی، یا رئیس دولت، یا هیئت رئیسه مجلس شورای اسلامی، یا رهبر نظام ارائه دهد؟ یا اینکه چنین بیانی هیچگاه به هیچ مقامی ارائه نشده است؟

### مبنای تشکیل بنیاد

طرح این پرسشها بنده را بر آن واداشت که در حد قدرت و امکاناتم اطلاعاتی را گردآورم و در اختیار خوانندگان گرامی قرار دهم. اما همین جا بگویم که

بیشتر این اطلاعات بر گفته‌ها یا نوشته‌های اشخاص دیگری متکی است و قطعیت ندارد و ارائه آنها صرفاً به این منظور است که مسئولان بنیاد مزبور اطلاعات دست اولی در اختیار مردم و ملت ایران قرار دهند و صحت و سقم این گفته‌ها و نوشته‌ها را آشکار سازند.

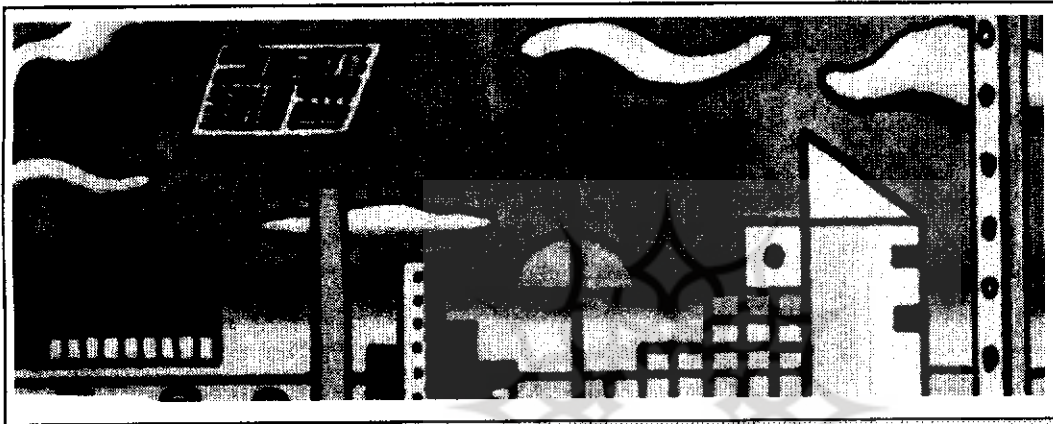
براساس این اطلاعات «بنیاد مستضعفان» که بعداً کلمه جانبازان نیز بر آن افزوده گشت در محیط آشفته نخستین ماه‌های پس از انقلاب ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ پدید آمد. نخستین عامل پدید آمدن آن وجود بنیاد پهلوی سابق بود که به «بنیاد علوی» تبدیل نام یافته ولی بی‌سرپرست مانده بود. از سوی دیگر عده‌ای از ثروتمندان و سرمایه‌داران که در نظام سرنگون شده سابق نقشی داشتند از هول جان یا از روی احتیاط اموال و دارائیهای خود را رها کرده و به خارج از کشور گریخته بودند. این اموال نیز بی‌سرپرست مانده بود و بیم آن می‌رفت که از سوی گروهی استفاده‌چی و غارتگر به یغما برود. افزون بر این بعضی اشخاص نفوذی که به نام کمیته‌چی برای بازداشت یا بازرسی به منازل یا

امکان مردم می‌رفتند از غصب یا ضبط اموال و اثاثیه آنها باکی نداشتند. این اموال نیز باید از تصرف آنها خارج می‌شد. ضمناً چون دولت موقت به ویژه در آن ماههای اول تسلطی بر اداره امور کشور نداشت، بیم آن می‌رفت که همه این اموال حیف و میل شود و بخش عظیمی از دارائی‌هایی که مسلماً متعلق به بیت‌المال بود به یغما برود. از این رو امام خمینی (ره) فرمانی صادر کرد و تصدی این گونه اموال را به شورای انقلاب تفویض کرد. متن این فرمان که در اساسنامه «بنیاد مستضعفان و جانبازان» آمده چنین است:

بانک تحویل دهند و متخلفین مورد مواخذه خواهند بود.

روح الله الموسوی الخمینی  
۵۷/۱۲/۱۴

پس از صدور این فرمان شورای انقلاب تصمیم می‌گیرد سازمانی برای اجرای این فرمان تأسیس کند. این سازمان که سرپرستی آن در آغاز ظاهرآ به شخصی اصفهانی به نام هویدا (که البته با امیر عباس هویدا هیچگونه نسبتی نداشتند) محول می‌گردد، نام «بنیاد مستضعفان» را برای خود برمی‌گزیند و به گردآوردن و تصاحب اموال مزبور می‌پردازد.



این «بنیاد مستضعفان» در همان سالهای نخست با سرعت و وسعت کم‌نظیری بر دارائیهای و اموال و در نتیجه بر قدرت اقتصادی و مالی خود افزوده است. طبق اظهارات حجت الاسلام والمسلمین آقای هاشمی رفسنجانی و مدارک کتب دیگر در سال ۱۳۶۱ بنیاد مزبور دست کم ۲۰۰ کارخانه، ۱۰۰ شرکت ساختمانی که ۶۰ درصد آنها در حال فعالیت بوده‌اند و کارهای ساختمانی به ارزش ۲ میلیارد دلار در دست اجرا داشتند، ۱۵۰ شرکت بازرگانی، ۹۱ شرکت پرورش طیور، بیش از یک هزار ساختمان با ۵۷۳۰ دفتر و آپارتمان در اختیار داشته است.<sup>(۱)</sup> و نیز مطابق حسابرسی ناتمامی که «بنیاد مستضعفان» در خرداد ۱۳۶۲ انجام داده بوده است معلوم شده که شرکت‌هایی که مصادره کرده کلاً ۱/۲ میلیارد دلار به بانکها بدهکاری داشته‌اند و این منهای بدهی‌های هزبر یزدانی بوده که به تنهایی به چند صد میلیون دلار بالغ می‌گشته است.<sup>(۲)</sup> وسعت و شدت مصادره‌ها به حدی بوده است که شهید آیت‌الله قدوسی دادستان دادگاه انقلاب از آن به شکوه و شکایت

«شورای انقلاب اسلامی به موجب این مکتوب مأموریت دارد که تمام اموال منقول و غیرمنقول سلسله پهلوی و شاخه‌ها و عمال و مربوطین به این سلسله را که در طول مدت سلسله غیرقانونی از بیت‌المال مسلمین اختلاس نموده‌اند، به نفع مستمندان و کارگران و کارمندان ضعیف مصادره نمایند و منقولات آن در بانکها با شماره‌ای به اسم شورای انقلاب یا اسم اینجانب سپرده شود و غیرمنقول از قبیل مستغلات اراضی ثبت و مضبوط شود تا به نفع مستمندان از هر طبقه صرف گردد در ایجاد مسکن و کار زمین غیر و ذالک، به جمیع کمیته‌های انقلاب اسلامی در سراسر کشور دستور می‌دهم که آنچه از این غنائم بدست آورند در بانک با شماره معلوم بسپرنند و بدولت ابلاغ نمایند که این غنائم مربوط به دولت نیست و امرش به شورای انقلاب است و آنچه مأمورین دولت بدست آورده‌اند یا می‌آورند باید به همین شماره به بانک تحویل دهند و کسانی که از این اموال چیزی بدست آورده‌اند باید فوراً به کمیته‌ها یا

برخاسته و گفته است: «بیشتر این مصادره‌ها نتیجه حرص و طمع است و کسانی که آن را انجام می‌دهند به قحطی زدگانی می‌مانند که به دکان نانوايي حمله می‌کنند. عمل آنها چپاول است نه مصادره»<sup>(۳)</sup>

کار مصادره‌ها به آنجا رسید که آیت‌الله شهید دکتر بهشتی که در رأس قوه قضائیه بود دستور داد کمیسویی برای تحقیق در وضع مصادرات بنیاد مستضعفین تشکیل شود و به شکایات علیه آن رسیدگی کند. این کمیسیون تشکیل شد و در مدت کوتاهی بیش از ۸۰۰ فقره شکایت به آن واصل گردید. متأسفانه بر اثر ترور و شهادت آیت‌الله بهشتی کار کمیسیون سست شد و بعد منحل گردید.

اما برای فهم حجم داراییها و ابعاد فعالیت فعلی بنیاد مستضعفان کافی است نگاهی به گزارش کمیسیون تحقیقی که مجلس چهارم برای تفحص در این باره معین کرده بوده است، بیافکنیم. در این گزارش آمده است که بنیاد فعالیتهای متنوعی داشته که دربخشهای زیر رسیدگی شده است: «۱- معاونت اموال و داراییها؛ ۲- سازمان بازرگانی؛ ۳- سازمان امور سیاحتی و توریستی؛ ۴- سازمان صنایع؛ ۵- سازمان معادن و فرآورده‌های نفتی؛ ۶- سازمان عمران و مسکن؛ ۷- سازمان کشاورزی؛ ۸- حراست بنیاد؛ ۹- حوزه ریاست؛ ۱۰- معاونت جانبازان»<sup>(۴)</sup> بدین‌سان ملاحظه می‌کنید که بنیاد مستضعفان یک موسسه خصوصی معمولی نیست بلکه بیشتر به یک ترانس یا کارتل غول بیکری می‌ماند که دولتی در برابر دولت تشکیل داده است و می‌تواند در اقتصاد کشور تأثیر فراوان داشته باشد.

#### اختیارات مطلق و نامحدود

متأسفانه بخشی از گزارش کمیسیون مزبور به مجلس شورای اسلامی که در دسترس حقیر بوده فقط مربوط به بخش (۱) فعالیتهای بنیاد یعنی معاونت اموال و داراییهای بنیاد یا به عبارت دیگر فروش اموال منقول و غیرمنقول بنیاد است. ما فعلاً وارد این بحث که بنیاد اصولاً حق فروش و انتقال این اموال را داشته است یا نه، نمی‌شویم چون کمیسیون مزبور وارد این بحث نشده و فقط به صحت یا عدم صحت معاملات پرداخته است. ما بعداً به آن بحث اصولی خواهیم پرداخت. اکنون به نتایج گزارش

کمیسیون می‌پردازیم: کمیسیون از مسئول «معاونت اموال» می‌پرسد بر چه اساسی معاملات خود را انجام می‌دهید؟ جواب می‌دهد: «براساس آئین‌نامه مربوطه». کمیسیون می‌پرسد این آئین‌نامه را کی تدوین و کی تصویب کرده است؟ می‌گوید: «رئیس بنیاد» در گزارش کمیسیون می‌خوانیم: «ملاک عمل فروش دارائیهای غیرمنقول توسط واحد املاک و مستغلات آئین‌نامه‌ای بوده است که در تاریخ ۶۸/۷/۱۳ توسط ریاست بنیاد تنظیم و ابلاغ گردیده است... در تاریخ ۷۰/۱۰/۱۱ چند ماده از آئین‌نامه داخلی فروش املاک از جانب ریاست بنیاد تغییر داده شد.»<sup>(۵)</sup> بدین ترتیب ریاست بنیاد همچون صاحب اختیار مطلق کلیه اموال غیرمنقول عمل می‌کرده است. نمونه دیگری از اختیارات مطلق و نامحدود و نامشروط ریاست محترم بنیاد مستضعفان و جانبازان: در گزارش همان کمیسیون می‌خوانیم «اسناد و مدارک مربوط به املاک تجاری نزد شخص آقای رفیق‌دوست و جدا از سایر اسناد و مدارک معاونت نگهداری می‌شود که دسترسی به آنها (برای کمیسیون) مقدور نبوده است.»<sup>(۶)</sup> یعنی ریاست بنیاد به سازمانی که خودش داده بود اعتماد نداشته و به آئین‌نامه‌ای که خودش نوشته بوده عمل نمی‌کرده است!

باز هم در این گزارش می‌خوانیم: «عدم آمار و اطلاعات و پرونده‌های لازم از دارائیهای غیرمنقول در سالهای ۱۳۶۸ و قبل از آن در حالی که قسمت عظیمی از دارائیهای بنیاد را تشکیل می‌داده است»<sup>(۷)</sup> و باز هم: «ارائه تخفیف نسبت به قیمت کارشناسیهای انجام شده بدون مجوز و ضابطه قانونی آن هم به کسانی که مستضعف و جانباز نبوده‌اند و بعضاً از اقوام ریاست بنیاد می‌باشند»<sup>(۸)</sup> و باز هم «پرداخت رشوه‌های کلان به مأموران شهرداری و اداره ثبت توسط مسئولین بنیاد به منظور اخذ مجوز ساخت و انجام مراحل اداری... واگذاری ملک بدون مجوز». (قابل توجه جناب آقای آیت‌الله یزدی رئیس محترم قوه قضائیه!)

به همه این تخلفها گزارش دادن دروغی را هم اضافه کنید، آن هم به رهبر معظم جمهوری اسلامی: «میزان درآمدهای ناشی از فروش اموال و املاک و مستغلات در پنج ساله دوم (۱۳۷۲ - ۱۳۶۸) به مقام رهبری دروغ

گزارش شده یعنی بجای بیش از یک میلیارد ریال فقط ۶۴۲ میلیون ریال گزارش شده است!»<sup>(۹)</sup> ظاهراً به نظر می‌رسد که بنیاد علاوه بر مقام رهبری به کمیسیون مزبور هم دروغ گفته باشد چون عقل باور نمی‌کند که یک چنان دستگاه عظیمی با چنان دارائیهای بی‌حسابی در عرض پنج سال فقط ۱۰۰ میلیون تومان معامله کرده باشد!

این وضع معاملات اموال غیرمنقول بود، اما در مورد اموال منقول طبق همان گزارش «کلاً ۲۸ مورد تخلف در ۱۵۰ مورد نمونه برداری شده مشاهده شده است. منجمله فروش دو دستگاه اتومبیل رولز رویس به بهروز یارخدایی (از محکومین متواری اختلاس ۱۲۳ میلیارد تومانی بانک صادرات) بدون مراعات مقررات مربوط به فروش اموال عتیقه، آن هم زیر قیمت کارشناسی»

مطابق گزارش کمیسیون این دو اتومبیل عتیقه به دستور رئیس بنیاد بدون مجوز قانونی فروش و انجام مراحل لازم جمعاً به ۳۰ میلیون تومان فروخته شده‌اند که ظاهراً یکی از آنها در خارج از ایران به ۲۰۰ میلیون تومان به فروش رفته است.<sup>(۱۰)</sup> آیا این گونه کارها شایسته و زیننده یک جامعه قانونمند اسلامی بوده است؟!

#### «انفال» است یا «غنائم»

اکنون می‌رسیم به آن بحث اصولی که در پیش طرح کردیم و گفتیم که کمیسیون تحقیق مجلس شورای اسلامی اصلاً وارد آن نشده است، ولی باید وارد شد، چون منشاء لغزشها و خطاهای دیگر همان است. مسئله این است: آیا بنیاد مستضعفین حق فروش، مزایده یا انتقال این اموال غیرمنقول، این املاک و مستغلات را داشته است یا نه؟ خود این مسئله برمی‌گردد به مسئله اصولی دیگری: آیا این اموال، این املاک و مستغلات در ملکیت شخصی یا حقوقی بنیاد یا رئیس آن بوده است؟ اگر نبوده حق فروش و انتقال آنها را به هیچ روی خواه طبق ضابطه، خواه بدون ضابطه نداشته است.

اولاً طبق نص صریح فرمان امام خمینی (ره) که در پیش آوردیم وظیفه شورای انقلاب و در نتیجه «بنیاد مستضعفان و جانبازان» که به نیابت از آن عهده‌دار این اموال گردیده است این بوده است که اموال «غیرمنقول از قبیل مستغلات و اراضی ثبت و مضبوط شود، تا به

نفع مستمندان از هر طبقه صرف گردد در ایجاد مسکن و کار زمین غیرذالک» بدین سان وظیفه شورا و بنیاد فقط سرپرستی این املاک و مستغلات و دادن آنها برای مسکن یا برای زراعت یا اگر بایر است برای ساختن خانه به مستمندان بوده است و بس و به هیچ روی حق فروش یا انتقال آنها را نداشته‌اند.

ثانیاً، بنابر ماده ۶ اساسنامه «بنیاد مستضعفان و جانبازان» هدف این بنیاد چنین تعیین شده است: «حفظ و صیانت و بهره‌گیری از اموال مزبور برای تأمین نیازمندیها و رفاه جانبازان و بهبود وضع زندگی مستضعفان در جهت رفع استضعاف مادی و فرهنگی آنها»<sup>(۱۱)</sup> ملاحظه می‌کنید که در همین ماده اساسنامه که ظاهراً خود بنیاد منشاء تدوین آن بوده است، هیچ ذکری از حق فروش یا انتقال به نحوی از انحاء به میان نیامده، بلکه برعکس بر روی «حفظ و صیانت» یعنی نگاهداری این اموال تأکید شده است. می‌دانید چرا؟ برای اینکه نحوه تصرف این اموال از طرف بنیاد بگونه‌ای بوده است که به بنیاد یا ریاست آن حق مالکیت این اموال را نمی‌داده است. به بنیم این اموال چگونه به تصرف بنیاد درآمده است؟ ظاهراً نحوه تصرف از سه طریق زیر خارج نبوده است: ۱- اموالی که مالکان آن به هر دلیل آن را ترک کرده و بدون سرپرست مانده بوده است؛ ۲- اموالی که ضمن تفتیش منازل، بازداشت، یا محکومیت مالکان آنها از ملکیشان خارج و باز بلا صاحب مانده بوده‌اند؛ ۳- اموالی که مالکان آنها به میل و اراده خود آنها را در اختیار جمهوری اسلامی گذاشته‌اند. به حکم نص قرآن مجید اموالی که به این سه طریق به تصرف مسلمانان درآمده باشند جزو «انفال» اند نه «غنائم» و متعلق به بیت‌المال اند نه اشخاص حقیقی یا حقوقی.

خداوند در سوره انفال می‌فرماید: «یَسْئَلُونَكَ عَنِ الْاِنْفَالِ قُلِ الْاِنْفَالُ لِلَّهِ وَ الرَّسُولِ» احتمالاً اشخاص می‌خواسته‌اند انفال را تصاحب کنند خداوند آنها را منع کرده و فرموده است اینها متعلق به بیت المال یعنی جامعه مسلمانان است و در همین سوره مبارکه خداوند به صراحت میان غنائم که مسلمانان در اثر جنگ

## آیایگاهانه راه سرپرستی و امانت‌داری از این بیت‌المال (اموال بنیاد مستضعفان) فروش آنها و تسدیدیشان به نقدینگی بود؟

به دست آورده‌اند با انفال فرق می‌نهد و اجازه مصرف و تملک غنائم را به مسلمانان می‌دهد و می‌فرماید: «لَوْ لَا كَتَابٌ مِنَ اللَّهِ سَبَقَ لَمَسَّكُمْ فِيمَا اخَذْتُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ، فَكُلُوا مِمَّا غَنَّمْتُمْ حَلَالاً طَيِّباً وَ اتَّقُوا اللَّهَ اِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»<sup>(۱۲)</sup> (اگر نبود حکم پیشین خداوند همانا از آنچه گرفتید به شما عذاب سخت رسیده بود. پس اکنون از هر چه غنیمت بیابید بخورید حلال و گوارای شما باد، ولی خدا ترس و پرهیزگار باشید که خدا آمرزنده و مهربان است) همچنین در سوره حشر می‌فرماید: «مَا اَقْبَأَ اللَّهُ عَلٰی رَسُوْلِهِ مِّنْ اَهْلِ الْقَرْيَةِ فَلَلَّهُ وَ لِلرَّسُوْلِ وَلِذِي الْقُرْبٰی وَ الْيَتٰمٰی وَ الْمَسٰكِيْنِ وَ اٰبِنِ السَّبِيْلِ كٰی لَا يَكُوْنُ دَوْلَةٌ بَيْنَ الْاٰغْنِيَاءِ مِنْكُمْ»<sup>(۱۳)</sup> (آنچه خدا از اموال اهل دیار به خدا و پیامبر و خویشاوندان و یتیمان و بینوایان و درماندگان در سفر واگذاشت، برای آن است که به دولت توانگران در میان شما نیفزاید) در این آیات کاملاً منطبق جدا کردن غنائم از انفال معلوم و مشخص است. نخست اینکه غنائم در حین جنگ و با جانبازی به دست آمده است لذا متصرف آن حق استفاده از آن را دارد. در صورتی که در مورد انفال چنین نیست و زحمتی در راه آن کشیده نشده است. دوم و مهمتر از آن اینست که باتملک انفال از جانب اشخاص ثروت توانگران افزایش خواهد یافت و

شکاف میان اغنیا و فقرا در جامعه اسلامی عمیق‌تر خواهد شد در حالی که هدف اسلام دقیقاً خلاف این امر است و انفال باید توسط بیت‌المال برای بهبود و رفاه بینوایان، یتیمان و تنگدستان مصرف شود.

امام خمینی (ره) در کتاب تحریرالوسیله «انفال» را اینگونه تعریف کرده است: «آنچه بدون لشگرکشی به دست مسلمانان افتاده است، خواه زمین یا غیر آن، خواه صاحبانش آن را ترک گفته باشند یا به میل خود بر مسلمانان واگذار کرده باشند؛ ۲- زمین بایر... خواه در ملک کسی بوده یا... مالک آن را رها ساخته است و اکنون صاحب آن شناخته نیست؛ ۳- غنائم جنگهایی که بدون اجازه امام (ع) به دست آمده است.»<sup>(۱۴)</sup>

هم ایشان در کتاب دیگری توضیحات بیشتر زیر را درباره انفال داده است: «انفال ملک شخصی امام (ع) نیست که مانند سایر املاک شخصی میان وراثش تقسیم گردد بلکه یا متعلق به مقام رهبری است و یا ملک کسی نیست و امام سرپرستی آنها را عهده‌دار است. و بر فرض اینکه انفال ملک مقام رهبری باشد، امام (ع) ولی و سرپرست آنها است؛ چه مقام رهبری غیر از خصوصیت شخص امام (ع) است. بنابراین مقام رهبری مالک انفال است و امام (ع) ولی و سرپرست آنها است، همچنان که بر سایر امور ولایت دارد و بدون تردید اجازه امام (ع) در تصرف آنها به طور حیازت و احیاء معتبر است... در تمام این موارد ولی فقیه از جانب ائمه معصومین ولایت و سرپرستی دارد و هر حقی که برای امام (ع) است، در این جهات عمومی مربوط به بیت‌المال مسلمین یا حدود کشور اسلامی، ولی فقیه اجازه سرپرستی آن را دارد.»<sup>(۱۵)</sup>

ملاحظه می‌کنید که به عقیده امام خمینی (ره) حتی ائمه معصومین نیز مالک شخصی انفال نبوده‌اند و فقط حق حیازت و احیاء آنها را داشته‌اند، تا چه رسد به عمر و زید که به میل خود هر چه را به هر کس و به هر طریق و به هر قیمت بفروشند یا ببخشند یا به مزایده بگذارند! ما نمی‌دانیم چرا در این بیست سال که این همه کارهای خلاف شرع و عرف و مصالح ملت

ایران و اسلام از جانب یک بنیاد صورت گرفته است، هیچ کس به آن اعتراض نکرده است؟! و حتی پس از آنکه مجلس شورای اسلامی متوجه بعضی از تخلفات آن شده است و کمیسیونی برای تحقیق و تفحص در آن را مأمور ساخته، گزارش این کمیسیون کان لم یکن فرض و به دست فراموشی سپرده شده است؟!

می‌توان از مسئولان «بنیاد مستضعفان و جانبازان» پرسید شما که مطابق اساسنامه مصوب خودتان هدفان «حفظ و صیانت و بهره‌گیری از اموال بنیاد برای تأمین نیازمندیها و رفاه جانبازان و بهبود وضع زندگی مستضعفان در جهت رفع استضعاف مادی و فرهنگی آنها» بوده است، آیا راهی بهتر از فروش این مستغلات و املاک مزروعی یا قابل ساختمان و تبدیل آنها به نقدینگی، برای «رفاه جانبازان» و «بهبود زندگی مستضعفان» نیافتید؟!

آیا فکر نکردید که با فروش هر خانه، آپارتمان یا مغازه زندگی یک خانواده را که فعلاً از آن استفاده می‌کند تباہ و روز آنها را سیاه می‌کنید و اگر این خانواده مستضعف است او را به اعماق دوزخ استضعاف می‌کشانید، و اگر مستضعف نیست، او را هم مستضعف می‌کنید و بر تعداد مستضعفان می‌افزایید؟! آیا نیاندیشیدید که با فروش هر قطعه زمین مزروعی یک خانوار کشاورز و زحمتکش را از هستی می‌اندازید، بر تعداد بیکاران و گرسنگان می‌افزایید و به تولید کشاورزی کشور هم لطمه می‌زنید؟! اگر بگویید این مستغلات خالی و بلا

استفاده و این زمینها غیرمزروعی بوده است می‌پرسیم آیا در تمام این کشور یک جانباز بی‌خانه یا یک مستضعف دریدر، یک کارگر بیکار بی‌خانمان وجود نداشت که این اماکن را ولو بطور موقت بعنوان سرپناه به آنها بدهید و دست کم یک گام کوچک در راه هدفی که موظف به انجام آن بوده‌اید بردارید؟! آیا نمی‌توانستید مشتی از جوانان جویای کار را در همان زمینهای مزروعی رها شده به کار گمارید و وسایل کار در اختیارشان بگذارید و بدین سان علاوه بر انجام وظیفه‌ای که بر عهده داشتید به تولید کشور و خودکفایی آن کمکی، هر قدر هم کوچک، کرده باشید؟! آیا نمی‌توانستید زمینهای

قابل ساختمان را بجای فروش به مشتی بورس باز میان جانبازان بی‌خانمان تقسیم کنید و بهای آنها را به اقساط از آنها بگیریید؟! آیا یگانه راه سرپرستی و امانت‌داری از این اموال بیت‌المال فروش آنها با مزایده و تبدیلسان به نقدینگی بود؟! آیا می‌دانید تبدیل این ۶۴۳ مورد مستغلات و املاک که در حال بهره‌برداری یا قابل بهره‌برداری هستند به ۱۶/۵ میلیارد تومان و یا بیشتر چه لطمه‌ای به اقتصاد این کشور

## بنیاد مستضعفان به کارتل غول پیکری می‌ماند که دولتی در برابر دولت تشکیل داده است و می‌تواند در اقتصاد کشور تأثیر فراوانی داشته باشد

می‌زند؟! آیا می‌دانید این عمل و نظایر آن که تاکنون بارها انجام داده‌اید دقیقاً مطابق همان عمل موهومی است که خداوند در قرآن مجید آن را تکاثر خوانده است، همان چیزی که مظهر اساطیری آن قارون و زشت‌ترین نمونه آن در زمان بعثت پیامبر اسلام ابولهب لعنه‌الله بوده‌اند؟!

\*\*\*

پس از نگارش این مقاله نامه‌ی یکی از خوانندگان مجله به دستمان رسید. مطالب این نامه گرچه مربوط به «بنیاد مستضعفان و جانبازان» نیست، لیکن چون مربوط به فروش املاک و مستغلات بنیاد دیگری است که ظاهراً این اموال برای هدفهای مشابهی در اختیار آن

گذاشته شده است، قسمتی از این نامه را بدون تأیید آن می‌آوریم:

«اگر چنانچه در روزنامه کیهان مورخه ۷۶/۹/۲۴ را دیده باشید حتماً آگهی مزایده شماره ۱۴ سازمان اموال و املاک را نیز دیده‌اید. چون اعداد و ارقام درج شده در این آگهی مثل آگهی‌های قبلی فوق‌العاده درشت بود، تصمیم گرفتم که جمع کل این مبالغ را حساب کنم. با جمع تمامی ارقام عدد ۴۶۱/۶۶۳/۹۶۲/۵۱۰ ریال بدست آمد... آنچه مسلم است این اولین و آخرین آگهی نبوده و طی سالهای گذشته آگهی‌های زیادی از این قبیل در روزنامه‌ها چاپ شده، مثل حراج شمش طلا، تابلوهای قیمتی، فرشهای نفیس و... که برای من و شاید خیلی‌های دیگر این سؤال را مطرح کرده که این مبالغ به چه حسابی واریز می‌شوند؟! و اینکه این مبالغ صرف چه کارهایی می‌شوند؟! اگر این اموال متعلق به ملت بوده و جزو بیت‌المال می‌باشند (حرفهای روزهای اول انقلاب) چگونه این مردم استفاده می‌کنند... برای مثال با این ۴۶ میلیارد تومان چند تا مدرسه یا دانشگاه می‌توان ساخت؟ به چند روستای محروم می‌توان امکانات داد...؟! اگر واقعاً مصرف این ملت می‌شوند، چرا مثل آگهی فروش این اموال آنها را نیز برای مردم در روزنامه چاپ نمی‌کنید؟...»

### مآخذ:

- ۱- اطلاعات اول آبان ۶۱، همچنین کیهان اینتر نیشنال ۷ فوریه ۸۲ (۲۷/۱۰/۸۲) و فاینانشال تایمز مورخ ۸۳/۵/۳ (۱۳/۲/۸۲) این منبع اخیر شماره کارخانه‌های بنیاد را بین ۴۰۰ تا ۵۰۰ ذکر کرده است.
- ۲- کیهان به تاریخ ۱۸ خرداد ۱۳۴۲ به قلم مهدی طباطبائی
- ۳- اطلاعات ۵۸/۱۱/۲۱
- ۴- سلام شماره ۳، ۴ و ۵ خرداد ۱۳۷۵
- ۵- همانجا
- ۶- همان
- ۷- همان
- ۸- همانجا
- ۹- همان
- ۱۰- همان
- ۱۱- همان
- ۱۲- سوره انفال آیات ۶۸ و ۶۹
- ۱۳- سوره حشر آیه ۷
- ۱۴- رساله نوبین تحریر الوسيله صص ۱۲۰ و بعد
- ۱۵- امام خمینی (ره) کتاب البیع جلد سوم صص ۱۴ تا ۱۶